# حضرت امام حسین علیه السلام

# و اصلاحات اجتماعی

عباسعلی سلطان زاده




بسم الله الرحمن الرحیم

# حضرت امام حسین علیه السلام و اصلاحات اجتماعی

نویسنده:

عباسعلی سلطان زاده

ناشر چاپی:

مجهول ( بی جا ، بی نا )

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

## حضرت امام حسین علیه السلام و اصلاحات اجتماعی

### مشخصات کتاب

عنوان : حضرت امام حسین(ع) و اصلاحات اجتماعی

پدیدآورندگان : امام سوم حسین بن علی(ع)(توصیف گر)

عباسعلی سلطان زاده(پدیدآور)

ناشر : عباسعلی سلطان زاده

نوع : متن

جنس : مقاله

الکترونیکی

زبان : فارسی

توصیفگر : افعال امام حسین ( ع )

امر به معروف و نهی از منکر

اصلاحات اجتماعی

### مقدمه

چنان چه اهل معرفت می فرمایند: فطرت از نقص و عیب تنفر دارد و به کمال مطلق علاقه مند است و هر کس به فطرتش رجوع کند در می یابد که قلبش به هر چه متوجّه می شود، اگر مرتبه بالاتری بیابد، از اوّلی منصرف می گردد و به کامل تر روی می آورد.بر این اساس عدالت، سخاوت، شجاعت و تمامی صفات کمال مورد علاقه آدمی است؛ و نه فقط خود را وابسته به کمال ِمطلق می داند و به دنبال اوست بلکه می خواهد خود را متّصف به کمالات ساخته و خود را صاحب کمالات بداند؛ در طول تاریخ نیز انسان های سفّاک و ستم گر و به دور از صفات متعالیه انسانی، خود را عادل و عدالت خواه و دارای کمالات و صفات متعالیه دانسته اند.حتّی گاهی چنان می نمایند که امر بر دیگران مشتبه گشته و با گذشت زمان،صاحب ِکمال و صفات ِشایسته شناخته می گردند؛ هم چون انوشیروان فرزند قباد، پادشاه ساسانی که در تاریخ به عادل و عدالت گستر معروف که گشته است. (رهبر کبیر انقلاب بدین مطلب اشاره فرموده است.)با توجّه به این مطلب که گذشت، به موضوع اصلاحات، اصلاح طلبی و خصوصیات ِیک اصلاح طلب ِواقعی و نقش ِاصلاحات اجتماعی در نهضت ِحضرت ابا عبدالله الحسین (ع) می پردازیم:اصلاح طلبی که صالح بودن و داشتن شایستگی را می طلبد، در لفظ سهل و آسان و در معنا و

دلالت بسیار گران قدر و در

مقام ِ عمل کاری بس مشکل و طاقت فرساست.لذا اگر در معنای اصلاحات و اصلاح طلبی دقّت گردد و در اطراف ِ مسئله خوب نظر شود، آدمی فریب مدّعیان ِ دروغین اصلاح طلبی را نمی خورد و در می یابد که مُصلح باید دارای ویژگی های انسانی و متعالی باشد. و جز انسان ِ مرتبط با کمال مطلق و معصوم از رجس و خلل و معدود مردمان ِ برگزیده الهی و جهاد کننده با نفس، کسی نمی تواند چنین ادّعایی را بنماید.با بررسی این مطلب، به اهمیت اصلاحات و نقش ِ آن در نهضت حضرت سیدالشهدا (ع) خواهیم پرداخت.

## معنای صلاح

در مفردات راغب آمده است: «الصَّلاح ضدّ الفساد وهما مختصّان فی اکثر الاستعمال بالافعال و قُوبل فی القرآن تارهً بالفَساد و تارهً بالسیّئه.»علامه طباطبایی؛ پس از نقل ِ معنای صلاح، بنا بر قول راغب «که مقابل فساد است» می فرماید: «الفساد الذی هو تغیّر الشیی عن مقتضی طبعه الاصلی، فصلاحه کونه علی مقتضی الطبع الاصلی فیترتّب علیه من الخیر والنفع ما من شأنه ان یترتّب علیه....»بنابر این نقل ها، صَلاح مقابل یا ضدّ فَسادو به معنای دگرگون شدن است از آنچه طبع و سرشت اصلی چیزی اقتضا می کند. پس صلاح ِ آن چیز، بودن بر مقتضای طبع و سرشت اصلی است. در این صورت، خیر و نفعی که آن چیز شأن و منزلتش را داراست، برآن مترتّب می گردد.سپس علامه طباطبایی (ره) پس از تقسیم صلاح ذات و صلاح عمل، چنین نتیجه می گیرد: «فصلاح الذات کونها تامّه الاستعداد لقبول الرحمه الالهیّه و افاضه کلّ خیر و سعاده من شأنها ان تتلبّس به من غیر ان یقرنها ما یفسدها من اعتقادٍ باطل اوعمل ٍ سیّی.»پس صلاح ذاتی و لیاقت و شایستگی برای قبول رحمت الهی

لازم است، تا از کاستی ها به دور بوده و هر خیر و سعادتی را جلب کند، بی آن که قرین ِ باور باطل یا عمل ناشایستی گردد و آن را فاسد سازد.با توجّه به این بیان ها، اهمیت صلاحیّت داشتن برای مقابله با فساد و حرکت در جهت صَلاح روشن می گردد، و همان گونه که فقط عادل می داند عدالت گستر شود، برای اصلاح طلبی نیز باید به صالح رجوع کرد. وگرنه چنین باشد، چنان که در طول تاریخ بسیار رُخ داده است، فاسدان و مفسدان، مُدّعی صُلح و صَلاح و اصلاح طلبی می گردند؛ با آن که:ذات نا یافته از هستی بخش کی تواند که شود هستی بخش تذکر این مسئله لازم است که در مَجمع البحرین در معنای «صالح» آمده:«هوالذی یؤدّی فرائض ِالله و حقوق ِالناس.»در این جا وظیفه بزرگ محقّقان و مبلغان دینی، در آگاه ساختن مردم روشن می گردد تا با بررسی تمامی ابعاد مسئله (به ویژه مسائلی که مورد سوء استفاده فرصت طلبان قرار می گیرد) مدّعیان دروغین رسوا گشته و سَرَه از ناسَره مشخص گردد، و این ممکن نیست مگر با روی آوردن به ثقلین. (وگر نه هر قدمی ناتمام و هر تلاشی به ناکامی می انجامد.). آری! خداوند متعال چه شیوا و منطقی در مقابل منافقان ِمدّعی اصلاح طلبی پاسخ می فرماید. و مؤمنان را از این خطر ناپیدا آگاه می فرماید:(وَ مِن ِالنّاس ِیَقُوْل ُامَنّا بِالله وبِالْیَوْم الْاخِرِ وَ ما هُم ِبِمُؤْمِنین... وَاِذا قیل َلَهُم ِلاتُفْسِدُوا فِی الْاَرْض ِقالُوا اِنَّما نَحْن ُمُصْلِحُون. اَلا اِنَّهُم ِهُم ُالْمُفْسِدُون َوَلکِن لایَشْعُرُون.)شیخ طبرسی (ره) در نحوه فساد منافقان، چند نقل را بیان می فرماید: انجام معاصی و بازداشتن مردم از ایمان، یا تمایل و «مساعدت» به کفّار و

یـا تحریف کتـاب «قرآن» و تغییر کیش و آیین.سـپس در مورد ادّعـای ِ منافقـان، مبنی بر مُصـلح بودن، دو احتمـال را بیـان می کند:۱ آنچه را «دیگران» فسـاد می نامنـد، در نزد «منافقـان» صـلاح است؛ چون بـا انجـام آن از هر دو گروه (مؤمن و کافر) در سلامت می مانند.۲ انجام چنین مفاسدی «مذکور در فوق» را انکار می کنند (که همین نفاق است).سپس خدای متعال این ادّعا را تکذیب می فرماید که:بدانید این ها (منافقان) که فساد را صـلاح می پندارند، مُفْسد و تبهکارند و نمی دانند که آنچه انجام می دهند، فساد است.و این خط ِ نفاق و اصـلاح طلبی آنان، پس از رحلت رسول و اَمین و حی شدّت یافت و تا کنون نیز ادامه داشـته، و تـا ظهور مُصـلح جهـانی و ویران کننـده بنیادهـای شـرک و نفـاق،جریـان خواهـد داشت: «اَیْن َالْمُنْتَظَرُ لِاِقامَه ِ الْامت ِ والعوَج ِ... اَیْن َالْمُدَّخَرُ لِتَجْدیدِ الْفَرائض ِ وَ السُّنَن ِ... اَیْن َ هادِم ُاَبْنِیَه ِ الشِرْک ِ وَالنِفاق ِ...».

## اهمیت اصلاح جامعه

همـان گونه که در معنای صالـح، از مجمع البحرین آمـد که صالـح کسـی است که فرائض و واجبات الهی و حقوق مردم را به انجام رساند و به بیان علامه طباطبایی – طاب ثراه – صـلاح ِ هر چیز به آن است که هر چیزی بر مقتضای طبع و سـرشت اصلی اش باشـد، تـا خیر و صـلاح (قابـل شـأنش) بر آن مترتّب گردد، ضـرورت اصـلاح امور جامعه و اصـلاحات اجتماعی ظاهر می گردد، البته نه فقط صـلاح و اصلاح تمامی امورِ تهدید پذیر از فساد و تباهی را در بر می گیرد و موضوعی بدین وسعت دارد، بلکه از نظراهمیت و ارزش، هم سـنگ و هم طرازِ عـدل و عـدالت است؛ زیرا، اوّلاً عدالت در سایه اصـلاح امور، توسط انسان ِ صالح می تواند برقرار گردد، ولی

تا صالحی مُصْلِح نباشد، عدالت نیز بی معنا خواهد بود؛ ثانیاً، اجرای عدالت نیز، برای اصلاح اجتماعی و جامعه انسانی است.علامه طباطبایی؛ در ذیل آیه شریفه: (اِنَّ الله یَأمُرُ بِالْعَدْل ِ وَالاْحْسان ِ وَایتاء ذِی الْقُرْبی...،) این موارد را به ترتیب از مهم ترین چیزهایی می داند که جامعه انسانی بدان ها استوار است؛ و در دلیل ِ این ادّعا می فرماید: «لِما أنّ صَلاح المجتمع العامّ اهمّ مایبتغیه الاسلام فی تعالیمه الْمُصْلحه؛ برای این که صَلاح ِ اجتماع مردمی، مهم ترین چیزی است که اسلام در تعالیم اصلاح طلبانه اش بدان توجّه دارد.

## جایگاه اصلاح طلبی در دیدگاه و نهضت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام

معمولاً نامه ها و مکتوبات و به ویژه وصیّت نامه اشخاص ِ بزرگ سرشار از پند و موعظه و دربردارنده مهم ترین پیام ها و سفارش هاست.حال اگر این نامه یا وصیّت نامه از سوی برگزیدگان الهی باشد، جز مقاصد و هدف های والای الهی (که برخاسته از نیّت های پاک و الهی آنان است) چیزی را در بر ندارد و درباره کرامت ِ انسانی و تعالی و سعادت ابدی اوست.پیشوای بزرگ ترین و برترین نهضت ها نیز وصیّت نامه و سفارشی دارند که در طول ِ تاریخ مورد توجه و سرمشق تمامی پاک اندیشان و آزادمنشان الهی قرار گرفته است.همان گونه که بارها خوانده و شنیده ایم، پس از آن که معاویه، یزید را به سلطنت گمارد و ارکان اسلام و معنویّت و صَلاح امور متزلزل شد و حضرت اباعبدالله الحسین (ع) از بیعت با این جرثومه فساد دوری کرد، آن حضرت (ع) به هنگام خروج از مدینه، هدف از قیام و نهضت ِ مقدّسشان را برای جهانیان در وصیّت نامه ای به برادرشان محمد بن حنفیّه، می فرمایند:حضرت امام حسین (ع) پس از آوردن نام الهی و شهادتین و اقرار به حق بودن بهشت، جهنّم و قیامت و این که خداوند،

هر کسی را در قبر است بر می انگیزانـد، قصـدشان را از خروج و قیام بیان می فرماینـد. (و آن حضـرت (ع) پس از بیان عقاید حقّه و معرفت خـویش، عَمَـل خویش را طبق این اعتقـادات به منصّه ظهور می رساننـد) که: «... وَ أَنّی لَم ٲَخْرُج ٲَشِـرا وَلا بَطِراً وَلامُفْسِـداً وَلاظالِماً وَاِنَّما خَرَجْت لِطَلَب ِ الْاصْـلاح ِ فی اُمَّه ِ جـدّی، اُریـدُاَن ٲمُرَ بِالْمَعْروف ِ وَ اَنْهی عَن ِ الْمُنْکَرِ وَ اَسـیرُ بِسـیره ِ جَـدّی وَاَبی عَلی ِّبن ِ ابی طالِب ٍ (ع)...؛و به درستی من از روی خودخواهی، خوش گذرانی، فساد و ستم گری خروج نکردم، و همانابرای اصـلاح در (مورد) امّت جدّم خروج کردم. می خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم.و سـیره و روشم، سیره و روش جـدّم و پـدرم علی بن ابی طالب (ع) است.»در این که، چرا آن حضـرت در آغاز وصـیّت عقایـد حقّه را بیان می کننـد، سخن بسیار است و حکمت هایی را برای آن برشمرده اند. یکی از حکمت ها چنین است که: آن حضرت می دانستند، دشمن از حربه تکفیر استفاده خواهـد کرد و چه بسـا بر اثر تبلیغات دشـمن، امر بر آینـدگان نیز مشـتبه گردد. اما مطلب مهم تر، چنان است که حضـرت (ع) هدف مقدّس خویش را از این قیام بیان می فرمایند: اوّل آن که هر گونه شایعه و تهمت و افترای دشمن مبنی بر این که این خروج، حرکتی دنیوی و برای هوای نفس و یـا برای ایجـاد اختلاف و نـاامنی میـان امت اسـلامی و یا برای خشونت طلبی است، خنثی شود؛ دوم، این خروج وقیام مقـدّس برای رفع فساد و اصـلاح طلبی در میان امّت جدّشان است، و به فرمایش علامه شهید مرتضی مطهری (ره): «دنیا بداند که حسین (ع) جز اصلاح

امّت، هدفی نداشت.»سومین مطلب این است که اصلاح طلبی در جامعه اسلامی به صورت دو امر مهم جلوه می نماید که حضرت سید الشهدا (ع) بدان اشاره فرموده اند:الف) امر به معروف و نهی از منکر؛ب) سیره نبوی و علوی را روش عملی خویش قرار دادن.پس در حقیقت، هدف مقدّس ِوالا و بی نظیری که سعادت دنیا و آخرت امّت مسلمان را تأمین می نماید و رضایت الهی در آن است، همانا اصلاح طلبی در جامعه اسلامی، است آن امام معصوم (ع) و آگاه به امور، بدان واقف بوده و نهضت را بر اساس آن آغاز کرده اند.

## ضرورت امر به معروف و نهی از منکر در امر اصلاحات اجتماعی

هر چند معنای لغوی «صَلاح» و «اصلاح» معلوم گشت، و مراد از «صلاح» و «فساد» به نقل از علامه طباطبایی؛ به دست آمد، اما مصداق واقعی «اصلاح»(همان طور که از وصیّت و سفارش حضرت اباعبدالله الحسین (ع) معلوم گشت) دو امر است:۱ امر به معروف و نهی از منکر؛۲ سیره عملی پیامبر اسلام (ص) و امیرمؤمنان (ع) را به کار بستند.اگر امر به معروف و نهی از منکر از جامعه رخت بربندد، فساد و تغییر امور امری عادّی خواهد شد. و جامعه روی صلاح را نخواهد دید. استاد شهید مرتضی مطهری درباره اهمیت موضوع امر به معروف و نهی از منکر در نهضت اباعبدالله الحسین (ع) می فرماید: «اگر دعوتی از امام (ع) نمی شد، حسین بن علی (ع) به موجب قانون ِ امر به معروف و نهی از منکر نهضت می کرد. اگر هم تقاضای بیعت (با یزید) از او نمی کردند، بازهم ساکت نمی نشست.» بنابراین، مسئله مهم و اساسی در نهضت حسینی، فقط اصلاح اندیشی و اصلاح طلبی بوده که آن حضرت (ع) مصداق عینی اصلاحات را امر به معروف و نهی

از منکر و عمل به سیره نبوی و علوی دانسته اند؛ نه آن که عامل اصلی ِقیام و خروج آن حضرت (ع) بیعت نکردن و یا دعوت کوفیان از آن حضرت (ع) باشد. شاعر دل سوخته اهل بیت، صابر همدانی چنین سروده است:از حسین (ع)، اکتفا به نام حسین (ع) نَبود در خور مقام حسین (ع)بلکه باید، که خلق دریابند علت ِاصلی ِقیام حسین (ع)

## عنایت ویژه سیدالشهداء به امر به معروف و نهی از منکر

حضرت امام حسین (ع) در طول نهضت مقدّسشان (حتی در زمان معاویه و قبل اززمان خروج علیه یزید) بارها بر این دو امر مهم (امر به معروف و نهی از منکر) تأکید فرموده اند؛ هم چون:۱ در دوران امامتشان در جواب نامه معاویه، پس از تذکرشان نسبت به فجایع و قتل شیعیان توسط ِمعاویه، در مورد بیعت گرفتن از مردم برای به سلطنت رسانیدن ِیزید شراب خوار و سگ باز و به دنبان کنیزان ِآوازه خوان و انواع آلات لهو، هشدار می دهند؛۲ قبل از خروج از مدینه در کنار قبر مطهَّر جدشان چنین می فرمایند: «اَللّهُم َاِن َهذا قَبْرُ نَبیِک َمُحَمّد وَاَنا ابْن َبِنْت ِمُحَمّدٍ وَقَدْ حَضَرَنی مِن َالْاَمْر ما قَدْ علمت َاَللّهُم َوَ اِنّی اُحِب ُالمعروف َو اُنْکِره ُالمنکَر....»که در این جا تصریح آن حضرت (ع) نسبت به علّت خروجشان (مبنی بر امر به معروف و نهی از منکر)، راه را بر یاوه سرایی ها می بندد؛۳ در منزل ذوحسم (جبل ذوجُشم) خطبه ای تاریخی بیان فرمودند، که در آن آمده است: «اَلا تَرَوْن َاِلَی الْحق ِلایُعْمَل ُبه واِلَی الْباطِل ِلایُتَناهی عَنْه؟ لِیَرْغَب َالْمُؤمن فی لِقاءِ ربّه ِحَقّاً حَقاً. فَاِنّی لااَرَی الْمَوْت َاِلاّ شَهادهً (الاسَعادهً) وَ الحیاه َمع الظالمین اءلاّبَرَماً.»و شاعر اهل بیت: ابوالحسن ورزی سروده:حق و باطل چون در آویزد به جنگ

بـا شـرف مردن به از مانـدن به ننگ آن امام معصوم (ع) توجه مردم را به حق ّو باطل جلب می فرماینـد، که اگر کسـی درک نمایـد، بـالطبع می پـذیرد که بـا عمـل نشـدن به حق ّو بازداشـته نشـدن از باطل، زنـدگی در چنین محیطی تحمل نکردنی می گردد، و در نتیجه شخص معتقد به خدای متعال، درخواست ِلقاءالله را می کند.آن حضرت (ع) که دارای فطرتی پاک هستند، نظر نهـایی خویش را دربـاره قرارگرفتن در چنین اجتمـاعی فاسـد، بیـان می فرماینـد که مرگ را (که مفـارقت روح از بـدن و مقدمه رسیدن به لقاء پروردگار است) سعادت و نیک بختی دانسته و در جامعه ای که باید با ستم گران (روی گردان از حق و گرونـده به باطل) هم نشـین شـد، زنـدگانی جز زجر و ملال نخواهد بود؛۴ آن حضـرت (ع) در موقعیت «بیضه» برای اصـحاب خود و سـپاه حُر خطبه ای خواندنـد، که هم انگیزه ایشان را برای خروج و قیام روشن می سازد و هم اعتقاد عملی آن حضـرت (ع) را نسبت به اصل امر به معروف و نهی از منکر و اعتراض به وضع نابسامان ِموجود را آشکار می سازد. آن مُصْلح زمانه، با اشاره به روایتی از رسول الله (ص) مبنی بر این که (اگر کسی، سلطان جائر و ستم کاری را ببیند که حُرمت های الهی را حلال می شـمارد و پیمان الهی را می شـکند و با سنّت رسول الله (ص) مخالفت می کنـد و درباره بنـدگان خداوند با دشـمنی و آن گونه که روا نیست، برخورد می کند، پس (آن شـخص ناظر) با رفتار و گفتار بر علیه آن سـتمکار متغیّر و دگرگون نگردد، بر خداوند حق ّاست که او را در جای گاه آن سلطان جائر (در جهنم) بیافکند.)در

ادامه می فرمایند: «اَلا وَاِن َ هؤلاء قَدْ لَزِمُوا طاعَه َ الشّیطان وَتَرَکوا طاعه َ الرحمن وَ اَظْهَرُوا الفَسادَ وَعطلوُا الْحُدُود وَاسْتَأثَرُوا بِالْفَی ء وَاَحَلُّوا حرام َ الله وَ حرَموا حَلال َ الله وَ اَنا اَحَق ُ ممّن غَیَّرَ» هشدار می دهند که در زمان فعلی نیز، اینان (گروه بنی امیّه و حامیانشان) از شیطان پیروی کنند و اطاعت پروردگار را ترک کرده اند و فساد و تباهی را آشکار ساخته اند و حدود الهی را وانهاده اند و در مورد فَی ء (غنائم و خَراج) خودسری نموده اند و حرام ِ الهی را حلال و روا شمرده اند و حلال الهی را تحریم کرده اند.در پایان، آن حضرت (ع) (درباره عمل به فرمایش حضرت پیامبر (ص)) برای خویش حقّی فزون تر را (نسبت به دیگران) در جهت ِ تغییر و دگرگونی «حال» (در قبال این همه حرمت شکنی و بدعت) قائل می شوند؛ زیرا هم نسبت به دیگران، در درک حقایق هشیارتر بوده و هم به جهت جانشین رسول الله (ص) وظیفه و رسالتی والاتر دارند و نسبت به دین جدّشان دل سوزتر هستند؛۵ در خطبه روز عاشورا، درباره موعظه ناشنوی کوفیان و تحریفات و منکراتی که در کتاب الهی و دین شده، خطابه ای می فرمایند و در نهایت، از زیر بارِ بیعت با یزید و عبیدالله نرفتن خویش خبر می دهند که: «اَلا اِن َ الدَّعی َ بْن َ الدَّعی قَدْرَکَزَ بَیْن َ اثْنَتَیْن ِ، بَیْن َ الْقِتَلهَ (السّله) والذِّله ِ، وَهَیْهات َ ماآخِذُ الدَّنیَّه َ. اَبی الله ذلِک َ وَرَسُولُه...؛ آری! ناپاک ناپاک زاده ای (عبیدالله بن زیاد) در آن دوران مصیبت بار، با تطمیع، ترغیب و تخویف ِ منافقان ِ پیمان شکن، دو راه را «بر آن پیشوای معصوم (ع)» ثابت می سازد (که راه سومی وجود ندارد): (جنگیدن) و کشته شدن (و در تنگنا قرار گرفتن)، یا پستی و خواری کشیدن (و زندگی نکبت بار).و عکس العمل حضرت

ثارالله (ع) به صورت نـدایی جاودانه با عملی مردانه و بی نظیر، در تاریخ به ثبت می رسد که: «هرگز! خواری و تحقیر شدن را نمی پـذیرم و طبق نقلی معروف که می فرمایـد: هیهـات منـا الـذله. ابی اللهُ ذلـک لنا ورسوله والمؤمنون...» ذلّت و خواری از ما دور است. خداوند و رسولش (ص) و مؤمنان، این (ذلّت و خواری) را برای ما نمی پسـندند؛از آسـتان همّت ما ذلّت است دور وندر کنام غیرت ما نیسـتش ورودسـپس اعلام می کنند که با همان عدّه کم ِ اهل بیت و قبیله شان و با وجود فراوانی دشـمن و ترک گفتن یـاور، به سوی جهاد خواهنـد رفت. شاعر اهل بیت محمـد حسـین بهجتی (شـفق) چه زیبا سـروده است که:جاودان بینَمَت اِسـتاده به پیکار، دلیر لا اری الموت تو را وِرْد زبان است هنوزباغ خشکیده دین را تو ز خون دادی آب نه عجب گر که شکوفـا و جوان است هنوزاگر کسـی این اعتقـاد پـاک و اراده بی نظیر را بـاور نمایـد، هر چنـد کافر یا مشـرک باشـد،به نتیجه (حدّاقل دنیایی) آن خواهد رسـید. همان گونه که مهاتما گاندی، روش مبارزه را از حضـرت اباعبدالله الحسین (ع) فرا گرفته و پیروزی بر اسـتعمار انگلیس را وام دار آن حضـرت (ع) است.در نهـایت، سـیره عملی آن حضـرت (ع) (علاوه بر اعتقاد راسـخ ایشـان)، حاکی از ارج نهادن به این اصل بوده و در جهت پیش برد اهـداف ِ اصـلاح طلبانه، از آن اسـتفاده نموده انـد.امتناع از بیعت با یزیـد پس از مرگ معاویه، و در موقع احضارشان به نزد ولیـد بن عتبه (والی مدینه) که می فرمایند: «یزیدُ رَجل ٌفاسق ٌ شارب ُالخَمْر قاتُل النَفْس الْمُحَرَّمه ِ مُعْلِن ٌبِالفِسْق. وَ مَثلی لایُبایع ُلِمِثْلِه ». عزّت نفس

حسینی را بیان می کند:از این بیعت که دشمن خواست، اولاد پیمبر را همان خوش تر، که بنهادند گردن، تیغ و خنجر را

### ملک الشعراء صبوری

و بارها آن مولا (ع) در مسیر مدینه تا مکه و به ویژه از مکّه معظّمه به طرف کوفه (و کربلا)، عملاً موضع ِقاطع خویش را ابراز فرموده انـد (هم چون گفتگویشـان با محمـد بن حنفیه، ابن عباس، ابن زبیر، ابن عمر، بنی هاشم، اهل کوفه و بصـره و افراد بین راه).

### علت تأکید امام حسین علیه السلام بر امر به معروف و نهی از منکر

حضـرت سیّدالشـهدا (ع)، در خطبه ای که معروف است در «منی» قبل از مرگ معاویه، ایراد فرموده اند، در تفسیر قول خداوند متعال که می فرمایـد: (اَلْمؤمِنُون والْمُؤمِنات ِبَعْضُ هُم ٔاَولیآءُ بَعْض ٍیَأمُرُون بِالْمَعروف ِوَ یَنْهون َعَن ِالْمُنکَرِ). چنین می فرمایند: «فَبـدءَ الله بالاـمْر بِـالمَعرُوف ِوَ النَّهی ِعَن ِالْمُنْکَرِ فَریضه ًمِنْه لِعِلْمِه ِبِاَنَّهـا اِذا اُدِّیَت ٔوَ اُقیمَت ٔاِسْـتَقامَت ٔالْفَرائض ُکُلُّهـا هَیِّنُها وَ صَعْبُهـا وَ ذلِـک َأن ّالاـمْرَ بِـالْمَعرُوف ِوَالنَّهی عَن ِالْمُنْکَر دُعـاءٌ اِلَی الاْسْـلام ِمَع َرَدِّ الْمَظـالِم وَ مُخالَفَه ِالظالِم ِوقِسْـمَه ِالفَیی ِوالغَنائِم ِوَاَخْذِالصَّدَقات ِمِن ٔمَواضِعِها وَ وَضعِها فی حَقِّها؛... با انجام شدن و بر پا گشتن این فریضه،تمامی فرائض (چه آسان و چه دشوار) برپا می گردند، بدان علت که امر به معروف و نهی ازمنکر ندای به سوی اسـلام است. با بازگرداندن آنچه به سـتم گرفته شده و ستیز با ستم گر و قسمت و پخش کردن بیت المال و غنیمت های به دست آمده (و بهره و نصیب افراد مسلمان را به آنـان دادن) و گرفتن صـدقات (واجبه) از محل های تعیین شـده اش و به کارگرفتن و نهادن آن در محل های سـزاوارش».با این بیان ِگویا و عالی، جای حرفی برای غیر نمی مانـد، تا بتوانـد بـدون این فریضه الهی و عمل به آن، در پی تحقّق جامعه ای صالح و شایسته باشد، و بی رو درروبی و مقابله،اصلاحات اجتماعی پدید آورند تا تمامی افراد جامعه بدان

پای بند شوند و با آزادی کامل پذیرای آن گردند.

## لزوم روش مداری برای رسیدن به اصلاحات واقعی

همان طور که مدعی اصلاح، خود باید صالح باشد تا بتواند مُصْلح گردد، یک مدعی ِ اصلاح باید به سیره و روش مطمئنی که به اراده و خواست الهی و اطاعت حق تعالی است، تمسّک جوید.لذا آن صالح ِ مُصْلِح، یعنی حضرت اباعبدالله الحسین (ع) به سیره و روش نبوی و علوی تمسّک فرموده اند که همانا صراط مستقیم الهی همین است و در حقیقت پیروی از آنان پیروی از خدای ِ متعال است که خداوند متعال می فرماید: (یا ایُّها الَّذین َ أمَنُوا اَطیعُوالله وَ اَطیعُوا الرَسول َ وَاُولِی الْاَمْرِ مِنْکُم ْ) و طبق روایات، به طور یقین مصداق واقعی اولی الامر، دوازده امام معصوم: هستند.آری! روش مداری است که می تواند انسان را در پیش برد اهدافش ثابت قدم سازد.و اگر این سیره و روش برگرفته از الگوهای الهی باشد، آدمی در صلاح و سداد پیش خواهد رفت و بر این محور صَلاح، اصلاحات هم انجام خواهد پذیرفت. که خدای متعال می فرماید: (لَقَدْ کان َ لَکُم ْفی رُسُول ِ الله اُسوَه ٌ حَسَنَه ٌ...)

## رفع شبهه

چرا با وجود آن که طبق روایات، ائمه اطهار (ع) همگی اولی الامر و واجب الاطاعه هستند، حضرت امام حسین (ع) به عمل به سیره نبوی و علوی اشاره می فرمایند؟ و مگر خود ایشان واجب الاطاعه و دارای سیره و روش الهی نیستند؟ جواب هایی می توان داد، من جمله:الف) همان گونه که از فرمایش بزرگانی، هم چون علامه شهید مرتضی مطهری پیداست، پس از رحلت ِ پیامبر اکرم (ص) با منحرف شدن مردم از خط ّ اطاعت از ولایت وعینیّت یافتن و تقدّس عمل به سیره شیخین و مقاومت امیرمؤمنان (ع) نسبت به این سیره غلط در زمان خلافت ظاهری شان و دوباره کم رنگ شدن ِ پیروی از

ولایت و امامت پس از شهادت مولای متقیان (ع)، به ویژه پس از خانه نشین شدن ِ حضرت امام حسن مجتبی (ع)، در دوران امامت امام حسین (ع)، با روی کار آمدن ِ یزید و احساس خطرنمودن نسبت به فراموش شدن ِ سیره نبوی (ص) و هم چنین با فراموشی سیره علوی وحتی ترور شخصیت ِ والای امیرمؤمنان (ع) (که در زمان سلطنت معاویه بر منبرها آن حضرت را لعن می کردند)، حضرت اباعبدالله الحسین (ع) بر سیره مداری و عمل به سیره و سنّت پیامبر گرامی اسلام و وصّی ِ ایشان تأکید فرمودند، تا در کنارِ نبوت و سنت نبوی، امامت و سیره علوی (ع) تثبیت گشته، حتی به صورت سندی افتخارآمیز برای تمامی نسل ها در تمام اعصار ماندگار بماند.ب با توجّه به خطبه ها و فرمایش های حضرت امام حسین (ع) در طول نهضت و قیام مقدسشان، آن حضرت (ع) دل ها را متوجه محوریت امامت خویش و مقتدا بودنشان فرمودند و با بیان ِ این که ایشان از اهل بیت نبوت و رسالتند، عملاً فهماندند که هر مدعی دیگری از مسیر اسلام و سیره پیامبر (ص) منحرف است. و فقط اهل بیت عصمت و طهارتند که می توانند هادی و پیشوای امت اسلامی باشند و راه صلاح را از فساد تشخیص داده، بر اساس آن انجام وظیفه فرموده و امت اسلامی بلکه تمامی ملت ها را نجات بخشند.رو کسب فیض و فخر کن از مکتب حسین (ع) کان مکتبت به دولت جاوید رهبر است ج) سیره حضرت امام حسین (ع) جدا از سیره حضرت رسول اکرم (ص) و حضرت امیرمؤمنان (ع) نیست، لذا عمل به سیره نبوی و علوی (ع) همان عمل به سیره امام حسین (ع) است؛ هم چنان که اطاعت

و پیروی از ائمه اطهار (ع)، همان اطاعت ازحضرت ختمی مرتبت (ص) بوده و پیروی و اطاعت از رسول الله (ص) هم جدای از اطاعت پروردگار متعال نیست.

## شواهدی از بیان های والای سیدالشهداء پیرامون اصلاحات اجتماعی

حضرت اباعبدالله الحسین (ع) در طول نهضت مقدسشان (و حتی قبل از خروج و قیامشان) در پی اصلاح امور امت اسلامی بوده اند، و این هدف مقدس را بارها ابراز فرموده اند که از آن جمله است:۱ یکی دو سال قبل از مرگ معاویه، در ایام حج با جمع نمودن حجاج در سرزمین مِنا (که در آن میان حدود دویست نفر از صحابه رسول الله (ص) حضور داشتند)، آن حضرت (ع) پس از تذکر نسبت به طغیان گری معاویه، و برای جلوگیری از به سلطنت رسیدن یزید، در خطبه ای از حاضران تقاضای دعوت از غایبان ِ مورد اطمینان را کردند و در موردِ علت چنین مسئله ای می فرماید:«فَادْعُوهُم اِلی ما تَعْلَمُون مِن حَقّنا، فِانّی اَتَخَّوف اَن یَدْرُس هذا الامر وَ یَذْهَب الحق ویَغْلِب وَالله مُتِم نُورِه وَلَوْ کَرِه الْکافِرُون، آنان را به آنچه از حق ما می دانید،بخوانید. پس به درستی که من می ترسم این امر مندرس و محو گشته و حق مغلوب شده از بین برود.»طبق این روایت ها آن حضرت (ع) آنچه از قرآن در مورد اهل بیت (ع) نازل شده و آنچه از رسول الله (ص) درباره (فضائل) پدر، مادر و برادرشان و در مورد خودشان و اهل بیتشان آمده، بیان فرموده و صحابه با کلمه «اللهم نعم» تصدیق می نمودند و تابعین نیزچنین تصدیق می نمودند: «اللهم قدحدثنی به من اصدقه وأئتمنه من الصحابه؛ خدایا، از صحابه کسی که او را تصدیق کرده و امین می شمارم، آن را برایم روایت نمود.».خطبه حضرت

اباعبدالله الحسین (ع) در «منا» (که به گونه های مختلفی نقل شده) نکته هایی مهم را در بردارد:الف) آن حضرت (ع) پیشوایان و مصلحان واقعی را در معرض تأیید صحابه (که مورد اطمینان مردمند) قرار می دهند، و همگان به طور آشکارا به عظمت، عصمت و صلاحیت اهل بیت (ع) و فضیلتشان نسبت به دیگران اذعان نموده و آن را مورد تأیید خدای متعال و رسول گرامش می بینند، و لذا به طور ضمنی صلاحیت ِ هدایت مردم و اصلاح امورشان توسط اهل بیت اثبات می گردد.ب) راه به روی دسیسه های معاویه و اذنابش برای وجهه شرعی و الهی دادن به خود و کارهای پلیدشان بسته شده و مکرشان برای به زیر سلطه کشاندن مردم بر ملاگشته و راهشان برای سلطنتی کردن خلافت بر مسلمین دشوار و ناهموار می گردد.ج) آن حضرت (ع) نسبت به عواقب شوم سکوت مرگ بار در برابر ظلم و فساد دستگاه بنی امیه هشدار داده و با آنان اتمام حجت می فرمایند.از همه مهم تر آن که، آن امام معصوم (ع) با دید وسیع و افق فکری والایشان،برای مقابله با آن دسیسه های شوم موجود در جامعه اسلامی آن روز، ذهن ها را نسبت به حقایق روشن ساخته و حتی نسبت به غایبان منصف ِ باایمان و مطمئن نیز احساس مسئولیت فرموده، خواستار شدند که این حقایق مهم بدانان برسد، تا حق از بین نرود. و ذهن مؤمنان در مسیر حق و حرکت به دنبال امام بر حق ِزمان خویش، دچار تزلزل و تشویش نگردد.همه این ها نیز در مسیر اندیشه اصلاحات راستین الهی است، هم چنان که آن حضرت (ع) در آخر خطبه ای که به ایشان استناد داده شده (و در مِنا ایراد

گشته)،خداوند را شاهد و گواه می گیرند که: برای نشان دادن ِ آثار و نشانه های دین الهی و به ظهور رساندن اصلاح در سرزمین های خداوندی و ایمن گشتن بندگان ِ مظلوم خداوند و برای عمل شدن به فرائض (و واجبات) و سنت ها (و مستحبات) و احکام الهی، چنین اقدام «واتمام حجّتی» را انجام داده اند.۲) حضرت امام حسین (ع) در منزل بطن الرمه، در پاسخ به سؤال عبدالله بن مطیع، مبنی بر علت خروج آن حضرت (ع)، از مدینه منوره به مکه معظمه، می فرمایند:«اِن َّ أهل َ الکوفه ِ کَتَبوا اِلَی َّ یَسْئَلُونَنی اَن ْ اَقْدِم َ علیهم لِما رَجُوا مِن ْ احیاءِ معالِم ِ الحق ِّ و اِماتَه البِدَع». که معلوم می گردد پس «از خروجشان از مدینه» حتی علت این که آن حضرت دعوت اهل کوفه را پذیرفتند، به جهت تمایل اهل کوفه به زنده ساختن آثار حق و میراندن و «از بین بردن» بدعت ها و «خلافت دین» بوده است.

## تذکر مهم

گمان برخی بر این است که یکی از عوامل خروج و قیام حضرت اباعبدالله الحسین (ع) صرف دعوت اهل کوفه از ایشان برای رسیدن به خلافت است، و حتی برخی می خواهند امتناع حضرت امام حسین (ع) را از بیعت با یزید، به جهت دعوت کوفیان و اجابت آن حضرت (ع) به دعوت آنان بدانند.علامه شهید مرتضی مطهری (ره) این نظریه های واهی را با استدلال هایی منطقی و با توجّه به تقدم تاریخ عدم بیعت آن حضرت (ع) نسبت به تاریخ دعوت کوفیان مردود دانسته و عنصر اصلی قیام حضرت را عامل امر به معروف و نهی از منکر و تکیه برروش و سیره نبوی و علوی می دانند. (که طبق فرمایش آن مولا، در جهت تحقق امر اصلاح امت جدشان است.)۳

در منزل ذوحسم (ذوجُشم)، (پس از اقامه نماز ظهر و اقتدای اصحابشان با سپاهیان حرّ، به آن حضرت (ع))، آن حضرت (ع) به جهت و انگیزه اهل کوفه در«پیامشان به آن حضرت» اشاره می فرمایند: «...فَاِنَّه لَیْس لَنا اِمامٌ لَعلَ الله اَن یَجْمَعَنا بِکَ عَلی الهُدی والحَق». (که امامت و پیشوایی آن حضرت (ع) را برای اجتماع و گرد آمدن پیرامون هدایت و حق خواسته اند.)[۴] در همین منزل ذوحسم ضمن اشاره به روی داد امور مشهود، گوش زد می فرمایند که دنیا تغییر یافته و دگرگون شده، منکرات (فساد و تباهی) رخ داده و معروف و نیکی ها پشت پا افتاده و این امر استمرار یافته است...این خطبه در حالی ایراد می گردد که علاوه بر اصحابشان، لشکر حُرّ نیز حضور دارند، که در حقیقت مخاطبان اصلی اند.علاوه بر این موارد، آن حضرت (ع) در طول مسیر (به ویژه از مکه معظمه تا کربلا)،در جهت ارشاد و اصلاح اشخاص (که جزئی از جامعه هستند)، از هیچ کوششی، حتی رفتن به نزد افراد دریغ نفرمودند؛ مانند فرمایش آن حضرت (ع) با عبدالله بن زبیر، عبدالله بن عمر، عمرو بن سعید بن العاص و برادرش یحیی بن سعید، (که بر آن حضرت معترض بودند) و نیز گفتگو با فرزدق و بشربن غالب و همین طور به حضور طلبیدن زهیر بن قین (که به واسطه ارشاد آن حضرت (ع)، توفیق هدایت الهی را یافت) و نیز با امتناع ورزیدن عبیدالله بن الحر الجعفی از رفتن به خدمت آن مولا (ع)، آن حضرت (ع) خود به نزدش رفتند (ولی تن به اطاعت نداده و تا آخر عمر پشیمان بود) و در نهایت به هنگام ارشاد لشکر دشمن، حرّ

بن یزید (و به نقلی چند نفر دیگر) به جمع اولیاءالله پیوستند.

## ریشه دار بودن اصلاح طلبی حضرت امام حسین علیه السلام

اهمیت و ارزش اصلاحات اجتماعی در نهضت حضرت اباعبدالله الحسین (ع) ازآن جا بیشتر تبلور می یابد که علاوه بر تأیید الهی و ارزش نهادن خدای متعال به اصلاح وعمل مصلحان، حضرت امیرمؤمنان (ع) در حساس ترین و بزرگ ترین لحظه های زندگی ارزش مندشان و در دردناک ترین لحظه های حیاتشان (پس از ضربت خوردن)، رابه فرزندان خود (حسنین (ع))، و سپس علاوه بر این دو بزرگوار به تمامی فرزندان و خاندان خویش و هر کسی که این نوشته هایشان به او می رسد، مهم ترین وصیت ها رامی فرمایند. که در آن پس از وصیت به تقوای الهی و نظم در کارشان، به «صلاح ذات البین» سفارش می فرمایند. و از قول جدّ (فرزندانشان) (ص) نقل می فرمایند که آن حضرت (ص) فرموده اند: «صلاح ذات البین افضل من عامه الصلاه و الصیام؛ صلاح ذات البین از کلیه نماز و روزه برتر است.»در قرآن کریم به اصلاح ذات البین اشاره شده و در کنار تقوای الهی و اطاعت از خداوند و رسولش (ص) بدان امر شده است:...(فَاتَّقُوا الله وَاَصْلِحُوا ذات بَیْنِکُم وَ اَطیعوا اللهَ وَ رَسُولَه اِن کُنتُم مُؤمنین).علامه طباطبایی (ره) در معنا و تفسیر اصلاح ذات البین، چنین بیان فرموده است:فقیل: «ذات البین أی الحاله والرابطه السیئه التی هی صاحبه البین. فالمراد بقوله تعالی:(أصلحوا ذات بینکم)، أی أصلحوا الحاله الفاسده والرابطه السیئه التی بینکم؛ معنای ذات البین این است که حالت یا رابطه بدی که همراه دو طرف گشته، پس مراد الهی چنین است که: حالت فاسد و رابطه بدی که میان شماست، اصلاح نمایید، بنابراین:اوّلاً: امر الهی (در کنار تقوای الهی) بر اصلاح میان امت تعلق گرفته

است؛ثانیاً: با توجّه به وصیت و سفارش حضرت امیرمؤمنان (ع) نسبت به امر تقوا و اصلاح بین مردم، هم توجّه ویژه آن حضرت (ع) به این امر الهی معلوم می گردد و هم اهمیت ویژه امر اصلاح امت (به واسطه سفارش آن حضرت (ع) در آن اوضاع حساس) ظاهر می شود.ثالثاً: حضرت سیدالشهدا (ع) درباره امر الهی و به جهت این که مخاطب خاص ِحضرت امیرمؤمنان (ع) بودند، در قبال وصیت امام زمانشان، مسئولیت اجرای آن را (به ویژه به عنوان خلیفه و جانشین پدر و برادر بزرگوارشان) بر عهده داشته، در زمان مقتضی و با اوضاع حساس زمانشان، عمل به امر اصلاح را به کار بسته و برای آن قیام فرموده و دیگران را نیز به اطاعت از حضرتشان در امر اصلاح جامعه مسلمین فرا خواندند. در قبال تعهد و احساس مسئولیت نسبت به این مسئله حتی از ایثار جان خویش و خاندان و اصحابشان دریغ نفرمودند و حتی با آگاهی نسبت به اسیر شدن نوامیسشان، باز هم چشم پوشی از اصلاح امت ِجدّشان را روا ندانستند و مرگ را بر زندگی در جامعه ای که ظالمان و ستم گران «مفسد و تبه کار» زیست می کنند، ترجیح دادند.شاعر انقلابی، حسین ِپژمان «بختیاری» چه زیبا حماسه و عزت حسینی را ترسیم نموده است:او کشته نیست، زنده اعصار و قرن هاست کِش نام نیک، تا به ابد زیب دفتر است خواری و سرشکستگی آرد قبول ِظلم او تا جهان به جاست، عزیز است و سرور است آن آهنین جگر که ز تصویرِ تیغ ِاو تب لرزه مر سپاه عدو را، به پیکر است مظلوم نیست، خانه برانداز ظالم است لب تشنه نیست ساقی نسیم و کوثر است و در

آخر به ما چنین سفارش می کند:دین دار باش و عدل گزین باش و مرد باش کاین مکتب ِ گزیده سبط ِ پیمبر است ۱ در امر اصلاحات توجّه به شایستگی و صالح بودن افراد، شرط اساسی برای تحقق این امر است وگرنه به واسطه مدعیان کاذب، وقایعی تلخ و گاه جبران ناپذیر (و به نام اصلاحات) رُخ می دهد.۲ با توجّه به معنای صلاح، باید به دور از شائبه قوم گرایی و تعصب های غیر واقعی و جاهلانه، فقط به حقیقت امور نظرنموده و آنچه را که شرع و صلاح می داند، اصلاح واقعی بدانیم.لذا مصلح واقعی هم با میزان شرع مشخص می گردد، نه با دید عُرف و حتی عقل بریده از شریعت و مغلوب شهوات و هواهای نفسانی.۳ همان گونه که گذشت، با توجّه به اهمیت و ضرورت اصلاحات اجتماعی،مصلحان واقعی در جامعه اسلامی باید با تمام توان بدین امر اهتمام ورزند (هم چنان که حضرت سیدالشهدا (ع) بدان نظر ویژه داشتند).۴ در اصلاح طلبی، بدون توجّه به امر به معروف و نهی از منکر، راه به جایی نبرده و اصلاح واقعی و مورد نظر شرع در جامعه صورت نمی پذیرد.۵ جامعه ای که افراد آن به فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر توجّهی ندارند و تکلیف خود نمی دانند و حتی تغییر حالی نمی دهند، نمی توانند مدعی پیروی ازمرام و مکتب حسینی باشند؛ زیرا، آن حضرت شهادت می دهند: «اِنّی احب ّالمعروف و اُکره المنکر». و از ترک معروف و عمل به منکر هشدار می دهند.۶ زندگی در جامعه ای که حق متروک و باطل معمول است و در حقیقت صلاح امور تبدیل به فساد گشته، مورد پسند و تحمل شدنی برای شخص مؤمن به خدا نیست،

و طلب لقـاء الهی (و مرگ) را می نمایـد. (نه آن که بی تفـاوت بوده و حتی با آنان همنشـین گشـته و معاشـرت مسالمت آمیز داشته باشد.)۷ در جـامعه ای که حـدود الهی شکسـته می شود و فساد ظاهر می گردد و مفسـدان برای اهـداف شوم خویش از انسـان بهره برداری سوء می کننـد، هیـچ گونه هم کاری با آنان جایز نیست. و اگر به تأییـد آن تبه کاران سـتم گر منجر شود، باید تا سر حدّ شهادت، از زیر بار آنان رفتن سر بر تافت.۸ یادمان نرود که فقط با امر به معروف و نهی از منکر است که دیگر فرائض و واجبات الهی برپا می ماند.۹ به واسـطه امر به معروف و نهی از منکر، که ندائی به سوی اسلام است،اصلاحات واقعی انجام می شود.۱۰ سرنوشت یک جامعه بستگی به سیره مداری حکم رانان آن جامعه دارد. اگر سیره ای مورد قبول خداوند در پیش گرفته شود، اصـلاح در جامعه هویـدا و برقرار می گردد. و سـعادت دنیا و آخرت انسان ها تأمین می شود، وگرنه با تقلید از سیره سردمداران کفر و ستم و زر و زور، جز از طریق خود آنان نمی توان راه به جایی برد. آن هم نیست مگر با پشت کردن به ارزش های الهی و دینی (چنانکه در جامعه به اصـطلاح متمـدن غربی و اروپایی امروز شاهـد آن هستیم) که با هر دسـیسه و نیرنگی (با نام سیاست) برای رسیدن به اهداف خویش و با تن دادن به هر ذلت و خواری، به اصلاحات اهریمنی می رسند، در حـالی کـه ایـن رسـیدن بـه فسـاد و تبـاهی و انجـام تبهکـاری است نه اصـلاحات. (همـان گـونه که فرمـایش الهی در این بـاره گذشت.)۱۱ مبلغان جامعه اسلامی، در هر زمان و مکانی

و در اوضاع مناسب، باید مردم را متوجه ضرورت امر اصلاحات اجتماعی (و به دست مُصلحان واقعی) بنمایند.۱۲ همان طور که امر اصلاح امور مسلمین مورد نظر و امر الهی و پیامبر اسلام و ائمه اطهار (ع) است، در زمان غیبت کبری نیز مورد نظر نایبان عام حضرت ولی الله الاعظم بوده و در نظام مقدس جمهوری اسلامی نیز مورد نظر ولی فقیه هر زمان بوده و هست. ما نیز باید همان اهمیتی که در شرع مقدس برای امر اصلاح امور مسلمین لحاظ شده است، قائل باشیم، که کوتاهی در این امر علاوه بر گناه نابخشودنی بودن، تبعات و عواقب شومی در پی خواهد داشت.به ویژه آن که در زمینه سپردن اصلاح امور مسلمین به دست صالحان همت گماشته و مردم را بدان دعوت کنیم؛ همان گونه که رهبر کبیر انقلاب اسلامی و هم چنین رهبر معظم انقلاب اسلامی در انتخاب افراد صالح (بلکه اصلح) هم به نخبگان جامعه و هم به عموم مردم، تأکید فرموده اند.

## درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹